

Research paper

National Culture Dimensions and World Bank Governance Indicators



Mohsen Dahmardeh Ghaleno¹ , *Hamid Zarei² 

1. MSc. in Accounting, Instructor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Higher Education Complex, Saravan, Iran.
2. MSc. in Accounting, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation Dahmardeh Ghaleno, M., & Zarei, H. (2018). National Culture Dimensions and World Bank Governance Indicators. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6(3), 346-375. <http://dx.doi.org/10.32598/JMSP.6.3.346>

 <http://dx.doi.org/10.32598/JMSP.6.3.346>



Funding: See Page 372

Received: 07 Mar 2018

Accepted: 15 Apr 2018

Available Online: 23 Sep 2018

ABSTRACT

Various theories of national culture around the world affect legal systems, social norms, economic development, and political communities. In this regard, this paper discusses the impact of national culture dimensions on worldwide governance indicators. This is an applied research with quasi-experimental design and regressive approach. The population of this international study comprised all nations worldwide, thus 74 countries were selected as study sample using non-random sampling method. The paper used six national culture dimensions of Hofstede et al. (2010) as explanatory variables. The institutions composite of six worldwide governance indicators from Kaufmann et al. (2010) in the World Bank were taken into account as the responsive variables of the paper. It is worth knowing that both studies are highly cited papers. Based on the results, power distance has a significant and negative relationship with institutions composite, but individualism, long-term orientation, and indulgence are significantly and positively related to the institutions composite. These findings are discussed subsequently.

JEL Classification: G30, G38, O17, O19, Z19.

Key words:

Hofstede National Culture Dimensions, World Bank Governance Indicators, Kaufmann dimensions

* Corresponding Author:

Hamid Zarei, MSc.

Address: Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Tel: +98 (917) 8574107

E-mail: hamidzarei@pgs.usb.ac.ir

ارزیابی ابعاد فرهنگ ملی و شاخص‌های راهبردی بانک جهانی

محسن دهمردہ قلعه نو^۱، ^۲ حمید زارعی^۲

- ۱- کارشناس ارشد حسابداری، مریب، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی سراوان، سراوان، ایران.
- ۲- کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

جیکیده

تاریخ دریافتند: ۱۶ اسفند ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۶ فروردین ۱۳۹۷

تاریخ انتشار: ۱ مهر ۱۳۹۷

با توجه به ساختارهای نظری متفاوت ابعاد فرهنگ ملی در سراسر جهان و اثبات تأثیرگذاری فرهنگ بر نظامهای قانونی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع، در این پژوهش، تأثیر ابعاد فرهنگ ملی بر شاخص‌های راهبردی بانک جهانی بررسی و تحلیل می‌شوند. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و با روش میدانی در دسته نیمه‌تحريی با رویکرد همبستگی قرار دارد. جامعه هدف این پژوهش بین‌المللی همه کشورهای جهان هستند که با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی مدققتند، ۷۴ کشور به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش، از شش شاخص فرهنگ ملی پژوهش پراستناد هافستد و همکاران (۲۰۱۰) به عنوان متغیر واپسیه از پژوهش پراستناد کوفمن و همکاران (۲۰۱۰) در بانک جهانی برگرفته شده است. نتایج پژوهش، حاکی از تأثیر منفی شاخص قدرت بر جمع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی و تأثیر مثبت شاخص‌های فردگرایی، افق دید بلندمدت و افراط‌گرایی بر این شاخص است.

طبقه‌بندی JEL: G30, G38, O17, O19, Z19

کلیدواژه‌ها:

ابعاد فرهنگ ملی
هافستد، شاخص‌های
راهبردی بانک جهانی،
شاخص کوفمن

* نویسنده مسئول:
حمید زارعی
نشانی: زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه حسابداری.
تلفن: +۹۸ ۸۵۷۴۱۰۷ (۹۱۷)
پست الکترونیکی: hamidzarei@pgs.usb.ac.ir

مقدمه

پژوهش حاضر تبیین کننده نقش و تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی^۱ بر شاخص‌های راهبردی بانک جهانی^۲ در ۷۴ کشور جهان است. برخی پژوهشگران همچون **موریس و سورج^۳** (۲۰۰۰) شاخص‌های راهبردی را بدون توجه به فرهنگ ارزیابی کردند. برخی دیگر از پژوهشگران، مفاهیم فرهنگی را برابر با همان شاخص‌های راهبردی دانسته‌اند؛ مثلاً **وایتلی^۴** (۱۹۹۲) فردگرایی و فاصله قدرت را به عنوان شاخص‌های راهبردی در نظر گرفت. برخی دیگر از پژوهشگران نیز تأثیر فرهنگ را در قالب «مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا باورها» بر شاخص‌های راهبردی مدنظر قرار داده‌اند (**آمالبی، ۲۰۰۳؛ آوکی، ۲۰۰۱**)، اما تاکنون مطالعات اندکی در زمینه ارزیابی تأثیر شش شاخص فرهنگ ملی پراستناد **هافستد و همکاران^۵** (۲۰۱۰) بر مجموع شش شاخص راهبردی **کوفمن^۶** و **همکاران^۷** (۲۰۱۰) در بانک جهانی انجام شده است، ضمن اینکه در بیشتر این مطالعات، جمهوری اسلامی ایران بررسی نشده است؛ بنابراین، بی‌توجهی به پژوهش‌های داخلی یا خارجی به این موضوع، موجب شد پژوهش حاضر به دنبال تبیین نقش و تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی هافستد و همکاران بر شاخص‌های راهبردی بانک جهانی (محیط‌های نهادی) در ۷۴ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران باشد. استفاده از نتایج پژوهش، می‌تواند به اصلاح شش شاخص راهبردی مدنظر پژوهش و بخش‌های کنترلی مرتبط با عوامل فرهنگی به منظور پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌های راهبردی مؤثر، کمک کند.

مطالعه حاضر ابتدا چارچوب نظری و پیشینه پژوهش را بررسی می‌کند و پس از فرضیه‌سازی، فرضیه‌های تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی بر شاخص‌های راهبردی مطرح می‌شود؛ سپس روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود. بخش بعد نشان‌دهنده یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل آن‌هاست. درنهایت، نتیجه‌گیری پایانی و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۱- ادبیات موضوع

احمدیان و اسلامی^۸ (۲۰۱۴) فرهنگ را مجموعه باورها، اعتقادات و آگاهی‌های فردی و جمعی می‌دانند که به طور خودآگاه و ناخودآگاه کنش را شکل می‌دهد. **هافستد^۹** (۲۰۱۱) معتقد است فرهنگ ارائه‌دهنده ارزش‌های مشترک، ویژگی‌ها، اعتقادات و رفتارهای بعضًا خاص، در گروهی از افراد است. **هافستد^{۱۰}** (۱۹۸۴) فرهنگ را برنامه‌ریزی آگاهانه ذهن می‌داند که تفکیک کننده جوامع انسانی از یکدیگر است. هافستد همچنین بیان می‌کند که این برنامه‌ریزی جمعی و آگاهانه نه فقط تفکیک کننده جوامع گوناگون انسانی از یکدیگر است، بلکه نشان‌دهنده محیط‌های نهادی^{۱۱} (راهبردی) متفاوت در سراسر جهان است. **هافستد^{۱۲}** (۲۰۰۳) بیان

-
1. National culture dimensions
 2. Worldwide Governance Indicators_WGI (Institutions)
 3. Maurice and Sorge
 4. Whitley
 5. Hofstede
 6. Kaufmann
 7. Institutional Environments

می‌کند که هنجارهای اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های آگاهانه مردم جامعه باعث تأثیر فرهنگ بر محیط‌های نهادی (راهبردی) می‌شود، زیرا فرهنگ بر اشخاص جامعه نفوذ دارد و این، اشخاص هستند که محیط‌های نهادی (راهبردی) را شکل می‌دهند. تاکنون رابطه میان فرهنگ و شاخص‌های راهبردی را پژوهشگران بسیاری نظری تابلینی^۸ (۲۰۱۰)، تبادجی^۹ (۲۰۱۳)، آلسیا و جولیانو^{۱۰} (۲۰۱۵)، گوردونینکو و رونالد^{۱۱} (۲۰۱۷؛ ۲۰۱۵) بررسی کرده‌اند؛ بنابراین، درباره تأثیر فرهنگ بر شاخص‌های راهبردی پژوهانه نظری بسیاری وجود دارد. پژوهش‌های گوناگون نشان می‌دهند که توسعه و تکامل شاخص‌های راهبردی تحت تأثیر عوامل محیطی مختلفی قرار دارد که یکی از مهم‌ترین این عوامل، فرهنگ است (دنیل، سیزلویچ و پورجلالی، ۲۰۱۲؛ سیزلویچ، ۲۰۱۴؛ گوردونینکو و رونالد، ۲۰۱۷).

فرهنگ، برنامه‌ریزی فکری جمعی در ذهن بشربت است که اعضای یک گروه را از دیگر گروه‌ها تمایز می‌کند. این برنامه‌ریزی بر الگوهای فکری مؤثر و منعکس‌کننده این واقعیت است که افراد مدنظر به دنبال دستیابی به ابعاد مختلف زندگی هستند و این موضوع در نهادهای جامعه متبلور می‌شود (هافستد، هافستد و مینکوو، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، فرهنگ می‌تواند به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل محیطی، توضیح‌دهنده تفاوت توسعه شاخص‌های راهبردی در کشورهای مختلف باشد؛ ازین‌رو، به طورکلی با توجه به تأثیر فراگیری که فرهنگ بر اشخاص جامعه دارد (هافستد، ۱۹۸۴؛ مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ نیسبت، ۲۰۰۴؛ هوس، هانگر، جاویدان، درفمن و گاپتا، ۲۰۰۴؛ پیترسون و وود، ۲۰۰۸؛ اسمیت، آلیک، مک‌کری و بنت‌مارتینز، ۲۰۰۸)، می‌توان گفت مردم تحت تأثیر فرهنگ هستند، در شرایطی که همین مردم شاخص‌های راهبردی را عملیاتی می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت فرهنگ ملی بر نحوه شکل‌گیری شاخص‌های راهبردی مؤثر بوده و مسیر توسعه آن‌ها را هدایت می‌کند (دنیل و همکاران، ۲۰۱۲).

هافستد (۱۹۸۴) این موضوع را مدنظر قرار داده و مبانی نظری آن را ارائه داد. او گفت: «فرهنگ مسیر توسعه و تکامل شاخص‌های راهبردی را فراهم می‌کند». **گری (۱۹۸۸)** و پربرا، کامینگ و چوا^{۱۲} (۲۰۱۲) نیز این نظریه را مطرح کردند که ارزش‌های اجتماعی (فرهنگی) بر شاخص‌های راهبردی مؤثر هستند. **گیلن (۲۰۰۱)** نیز بر نقش فرهنگ در شاخص‌های راهبردی تأکید کرده است. **نورث (۱۹۹۰)** از پیشگامان بررسی این موضوع به صورت جزئی است و تأثیر فرهنگ بر شاخص‌های راهبردی را بررسی کرده است. او فرهنگ را به نقل از **بولد و ریچرسون**^{۱۳} (۱۹۸۲) این‌گونه تعریف می‌کند: «انتقال آموزش و تقلید، دانش، ارزش‌ها و دیگر عواملی که بر رفتار تأثیر می‌گذارند، از نسل به نسل دیگر». بر مبنای نظریه **نورث (۱۹۹۰)**، فرهنگ در بلندمدت

8. Tabellini

9. Tubadji

10. Alesina and Giuliano

11. Gorodnichenko and Roland

12. Gray

13. Perera, Cummings, & Chua

14. Guillen

15. North

16. Boyd and Richerson

بر شاخص‌های راهبردی مؤثر است. او می‌گوید: «فرهنگ نوعی استمرار را ایجاد می‌کند که روشی غیررسمی برای مبادله مشکلات از گذشته به حال است و این محدودیت‌های غیررسمی از مهم‌ترین منابع تداوم تغییرات اجتماعی به صورت بلندمدت هستند».

نورث (۱۹۹۱) همچنین شاخص‌های راهبردی را این‌گونه تعریف می‌کند: «طراحی محدودیت‌های انسانی برای ساختاربندی سیاست، اقتصاد و تعاملات اجتماعی». **ولیامسون^{۱۷} (۱۹۹۳)** نیز شاخص‌های راهبردی را بنیان‌های سیاسی، اجتماعی و قانونی می‌داند که اساس فعالیت‌های اقتصادی را ایجاد می‌کند. **نورث (۱۹۹۰)** عقیده دارد هنگامی که از شاخص‌های راهبردی صحبت می‌کنیم، تمرکز صرفاً بر اشخاص یا دولت نیست، بلکه خط‌مشی دولت، قراردادها و نحوه اجرای آن‌ها نیز مدنظر هستند. پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند میان ابعاد مختلف فرهنگ و شاخص‌های راهبردی رابطه وجود دارد. **استولز و ولیامسون^{۱۸} (۲۰۰۳)** با استفاده از مذهب به عنوان یکی از ابعاد فرهنگی، شواهدی ارائه دادند که حاکی از تأثیر مذهب بر حقوق اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های راهبردی بود. **لیکت^{۱۹} و همکاران (۲۰۰۷)** نشان دادند ویژگی‌های شاخص‌های راهبردی مرتب با قانون، فساد و مسئولیت پاسخ‌گویی با ابعاد فرهنگی در ارتباط هستند.

با توجه به اینکه به‌طور نسبی فرهنگ ملی بیشتر در برابر تغییرات مقاومت نشان می‌دهد تا شاخص‌های راهبردی **(دنیل و همکاران، ۲۰۱۲)**، توجه به محیط فرهنگی خاص کشور، یکی از الزامات توسعه شاخص‌های راهبردی خواهد بود. بی‌توجهی به نقش احتمالی شاخص‌های فرهنگ ملی در پیش‌برد شاخص‌های راهبردی می‌تواند به پسرفت این شاخص‌ها منجر شود. این پژوهش بهنوبه خود می‌تواند بر مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی، تأثیرگذاری دولت، کیفیت نظارت، حاکمیت قانون و کنترل فساد در سطح کشور مؤثر باشد. البته به نظر می‌رسد هم‌اکنون در نظام جمهوری اسلامی ایران، با توجه به امتیاز منفی در شش شاخص راهبردی بانک جهانی، تأثیر عوامل مختلف بر این شاخص‌ها از جمله فرهنگ در نظر گرفته نمی‌شود؛ بنابراین، این مسئله مطرح است که آیا شاخص‌های فرهنگ ملی بر توسعه شاخص‌های راهبردی تأثیرگذار است؟ آیا بهبود فرهنگ ملی می‌تواند سبب ارتقای عملکرد مسئولان از جمله دولت در زمینه کارآمدی مسئولیت پاسخ‌گویی و عملکرد دولت، بهبود روابط سیاسی، افزایش تأثیرگذاری قانون و جلوگیری از فساد شود؟

۱- اعتبار و تعریف شاخص‌های فرهنگ ملی

در این پژوهش از شش شاخص فرهنگ ملی به عنوان متغیرهای توضیحی استفاده شده است. چهار شاخص فرهنگ ملی مربوط به پژوهش **هافستد (۱۹۸۳)** است؛ شاخص پنجم در سال ۱۹۸۷ و طی پژوهشی در شرق دور توسط مایکل بوند کانادایی با همکاری هافستد به شاخص‌های فرهنگی پیشین اضافه شد (**هافستد و بوند، ۱۹۸۸**). سپس این پنج شاخص در پژوهش پراستناد هافستد در سال ۲۰۰۳ به تفکیک ارائه و قابلیت مقایسه

17. Williamson
18. Stulz and Williamson
19. Licht

آن‌ها برای کشورهای سراسر جهان فراهم شد. محققی بلغارستانی به نام مایکل مینکوو^{۲۰} شاخص ششم را طی پژوهشی شناسایی کرد و درنهایت، در سال ۲۰۱۰ با همکاری هافستد این مورد نیز به ابعاد پیشین اضافه شد (**هافستد و همکاران، ۲۰۱۰**). از جمله دلایل اصلی برای انتخاب این شاخص‌های فرهنگی عبارت هستند از: ۱. رایج بودن و پراستناد بودن این شاخص‌ها در پژوهش‌های فرهنگی در سطح بین‌المللی، ۲. این شاخص‌های فرهنگ ملی برگرفته از پژوهش اولیه هافستد به عنوان پژوهشگری پیشگام و پراستناد در حوزه پژوهش‌های فرهنگی است که طی زمان و پس از همکاری با سایر پژوهشگران، این شاخص‌ها نیز توسعه یافته‌اند. در ادامه، این شش شاخص فرهنگ ملی و تعاریف آن‌ها با استفاده از پژوهش‌های **هافستد (۱۹۸۳)**، **هافستد و بوند^{۲۱} (۱۹۸۸)** و **هافستد و همکاران (۲۰۱۰)** ارائه شده‌اند.

۱-۱-۱- فاصله قدرت^{۲۲} کم / زیاد

این شاخص بیان می‌کند که اعضای قدرتمند سازمان‌ها و مؤسسات انتظار دارند قدرت به طور نامساوی توزیع شده باشد. بنابراین، توزیع قدرت در جامعه، نابرابر است. شاخص قدرت حدی است که در آن، اعضای با قدرت کمتر جامعه نابرابری در توزیع قدرت را می‌پذیرند؛ در فرهنگ‌هایی که شاخص قدرت آن‌ها بالاست، قدرت یک عامل اجتماعی اساسی است که در آن به اجبار رهبری تجویز شده سازمان‌ها به مردم القا شده است.

۱-۱-۲- فردگرایی / جمع‌گرایی^{۲۳}

فردگرایی یکی از بخش‌های مهم این تسلسل به همراه جمع‌گرایی در مقابل آن است. این شاخص به درجه فردگرایی‌هایی را اندازه‌گیری می‌کند که درون گروه شکل می‌گیرد. از یک طرف در فردگرایی انتظار می‌رود افراد، مستقل و بینیاز از هم باشند و از طرف دیگر در جوامع قوی، بهم‌پیوسته و خانواده‌های مبسوط، افراد خانواده بر منافع جامعه ترجیح داده می‌شوند. در جوامع فردگرا، مردم بر دریافت حقوق شخصی تأکید می‌کنند و استدلال و منفعت شخصی خویش را در نظر می‌گیرند.

۱-۱-۳- مردانه‌طبعی / زنانه‌طبعی^{۲۴}

این شاخص بر حسب تسلسل با ویژگی‌های مردانه‌طبعی در یکطرف و خصوصیات زنانه‌طبعی در طرف دیگر سنجش می‌شود و به توزیع نقش‌های جنسیتی در جوامع مربوط است. در این شاخص، ارزش‌های فرهنگی از یکطرف در محدوده ایده‌های بسیار مردانه، رقابتی و اعداکننده و از طرف دیگر، افتادگی و مهربانی قرار می‌گیرند. کشورهایی که امتیاز مردانه‌طبعی بالا دارند، به خوش‌ادعا بودن و شخص‌گرایی تمایل و بریافته‌های شخصی و موفقیت تمرکز دارند. در سمت دیگر این تسلسل، کشورهایی با امتیاز زنانه‌طبعی بالا تمایل دارند

20. Michael Minkov

21. Bond

22. Power Distance

23. Individualism

24. Masculinity/ Femininity

که بر روابط تأکید کنند، با ضعیف‌ترها مهربان هستند و کیفیت زندگی را به ثروت و تعلقات ترجیح می‌دهند و به دنبال رفاه اجتماعی هستند. امتیاز بالا در این بُعد (مردانه‌طبعی) بیانگر این است که رقابت، دستاورده و موفقیت عناصر مؤثری در جامعه تلقی می‌شوند. بهترین ایده در این زمینه یک نظام ارزشی است که از مدرسه شروع شده و در طول زندگی سازمانی ادامه می‌یابد. امتیاز کم در این بعد (زنانه‌طبعی) نشان‌دهنده این است که ارزش‌های موجود در جامعه، مراقبت از دیگران و کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی در چنین جوامعی نشانه موفقیت است و مقاومت کردن در برابر جمع، تحسین برانگیز نخواهد بود. موضوع اساسی در اینجا چیزی است که انگیزه مردم را بر می‌انگیزد؛ یعنی، تمایل به بهترین بودن (مردانه‌طبعی) یا انجام آنچه علاقه شخصی است (زنانه‌طبعی).

۱-۴- ابهام‌گریزی کم / زیاد

این شاخص، صبر جامعه را در برخورد با مسائل مبهم بررسی می‌کند، میزان بافرهنگ بودن اعضای آن جامعه را در ارتباط با حقیقت محض ارزیابی و محاسبه می‌کند و توانایی جامعه برای سازگاری با موقعیت‌های غیرساختاری در سطوح بالا (موقعیت‌های جدید و غیرمطمئن) را می‌سنجد. در فرهنگ‌های ابهام‌گریز، به کنترل محیط در قالب قوانین، قواعد و مقررات سخت‌گیرانه و از طریق سنجش‌های ایمنی و امنیتی پرداخته می‌شود. مثلاً، رتبه بالا در این شاخص نشان‌دهنده قوانین، قواعد و مقررات قابل توجه در این کشورهast و در مقابل، کشورهایی که رتبه پایینی دارند، جوامع بالآرامشی هستند که قوانین، مقررات و قواعد کمتری دارند. کشورهایی که رتبه بالایی در این شاخص دارند، قوانین و مقررات را برای گذر از بی‌اعتمادی ترجیح می‌دهند.

۱-۵- افق دید کوتاه‌مدت / بلندمدت

افق دید کوتاه‌مدت نگرشی است که برگذشته و حال تمرکز دارد. در این نگرش، سنت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند، سلسه‌مراتب اجتماعی جاری مهم است، الزامات مربوط به تعهدات اجتماعی رعایت می‌شود و دستیابی سریع به نتیجه مدنظر است. در نقطه مقابل، افق دید بلندمدت نگرشی است که بر آینده تمرکز دارد. در این نگرش، مردم تمایل دارند موقوفیت‌های اقتصادی اجتماعی خود را به تأخیر بیندازند تا برای آینده‌ای مطمئن آماده شوند؛ تقوای جایگاه ویژه‌ای دارد؛ ارزیابی خوب و بد به شرایط بستگی دارد؛ اگر «الف» صحیح باشد، مخالف آن یعنی «ب» نیز می‌تواند صحیح باشد؛ عقل سليم برتری دارد و تفکر ترکیبی مدنظر است.

۱-۶- خویشتن‌داری / افراط‌گرایی

نگرش افراط‌گرایی بر میزان شاد بودن مردم جامعه، کنترل زندگی، اوقات فراغت از کار و آزادی تمرکز دارد. در جوامعی که مردم افراط‌گرا هستند، زمان بیشتری برای تفریح سپری می‌کنند، روابط دوستانه بیشتری دارند، احساسات هر شخص بسیار مهم است و نگرش آن‌ها به مسائل زندگی مثبت است. در نقطه مقابل، جوامع خویشتن‌دار معرفی می‌شود. در این جوامع، مردم بیشتر بر اساس عقل تصمیم‌گیری می‌کنند، دید آن‌ها به مسائل جامعه و غریب‌های منفی است، زمان استراحت اهمیت بسزایی ندارد؛ صرفه‌جویی ارزش محسوب می‌شود و پایبندی به اصول و عهد اهمیت دارد.

۲-۱-اعتبار و تعریف شاخص‌های راهبردی بانک جهانی

در این پژوهش، مجموع شش شاخص راهبردی بانک جهانی در سطح ملی به عنوان متغیر وابسته برای کشورهای مورد مطالعه در نظر گرفته شده‌اند. این شش شاخص از پژوهش پراستناد **کوفمن و همکاران (۲۰۰۷)**؛ **(۲۰۱۰)** که همچنان در حال به روزرسانی است، برگرفته شده‌اند. این شش شاخص کلیدی، ترکیبی ساختارمند از نظرات متخصصان سازمان‌های غیرانتفاعی و بین‌المللی، نهادهای ملی، کارشناسان سیاسی‌اقتصادی و شهروندان در سطح وسیعی از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است (**کوفمن، ۲۰۰۷**). این شش شاخص در پژوهش‌های معتبری نظیر **دنیل و همکاران (۲۰۱۲)** و **سیزلوچ (۲۰۱۴)** استفاده شده‌اند و انتظار می‌رود معیاری مناسب برای سنجش استراتژی‌های راهبردی و حاکمیتی در سطح ملی فراهم کنند. در ادامه، شش شاخص راهبردی بانک جهانی بر اساس پژوهش‌های **کوفمن و همکاران (۲۰۰۷؛ ۲۰۱۰)** ارائه و تعریف شده‌اند.

۱-۲-۱-مسئولیت‌پذیری

این شاخص به میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت، آزادی بیان، آزادی اجتماعی و رسانه مربوط است.

۱-۲-۲-ثبات سیاسی

این شاخص بیان می‌کند که دولت در نتیجه اعمال خلاف قانون اساسی و اعمال خشونت بی‌رویه علیه شهروندان سرنگون خواهد شد.

۱-۲-۳-تأثیرگذاری دولت

این شاخص نشان‌دهنده کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهروندی، میزان تأثیرپذیری دولت از فشارهای سیاسی، نحوه تدوین خطمشی عمومی و میزان تعهد دولت به اجرای آن است.

۱-۲-۴-کیفیت نظارت

این شاخص مربوط به تدوین خطمشی صحیح و مقرراتی است که موجب توسعه بخش خصوصی می‌شود.

۱-۲-۵-حاکمیت قانون

این شاخص بیان کننده میزان اعتماد به قوانین و وفاداری به آن‌ها در سطح جامعه بهویژه کیفیت اجرای آن‌ها توسط پلیس، دادگاه‌ها و مراجع مرتبط است.

۱-۲-۶-کنترل فساد

این شاخص مربوط به میزان نفوذ قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی کم یا زیاد در قالب فساد توسط مسئولان و نفع‌برنده‌گان در جامعه است.

با توجه به اینکه انتظار می‌رود فرهنگ بر هر شش شاخص راهبردی بانک جهانی بهطور کلی تأثیرگذار باشد، در فرضیه‌سازی به پیروی از سیزلوچ (۲۰۱۴) ^{۲۵} شاخص‌های راهبردی به عنوان یک متغیر کلی و وابسته در نظر گرفته شده است و مجموع شش شاخص راهبردی برای هر کشور عملیاتی شده و جمع امتیازها در تجزیه و تحلیل‌ها در نظر گرفته شده است. آزمون‌های آماری مرتبط متعاقباً در ادامه مقاله بحث شده است.

۱-۳- پژوهش پیشینه

پژوهش حاضر پیشینه داخلی ندارد. برخی پژوهش‌های خارجی مربوط در راستای عوامل فرهنگی و محیطی تأثیرگذار بر شاخص‌های اجتماعی و راهبردی به ترتیب سال و در ادامه مرتب شده‌اند:

لیکت و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود، ارتباط شاخص‌های فرهنگ ملی پژوهش اسچوارت ^{۲۶} و نهادهای اجتماعی را بررسی کردند. آن‌ها رابطه میان شاخص‌های فرهنگ ملی را با حاکمیت قانون، نبود فساد و مسئولیت‌پذیری جامعه در ۵۳ کشور جهان را استجیدند و دریافتند که شاخص‌های فرهنگ ملی با سه شاخص پیش‌گفته ارتباط معناداری دارند؛ سپس چارچوب مشخصی را برای درک روابط مناسب بنیان‌های اجتماعی و ارائه خطمشی برای انجام اصلاحات اقتصادی ارائه دادند.

تابلینی (۲۰۱۰) شاخص‌هایی نظیر اعتماد، احترام و اطمینان را به عنوان ارزش‌های فرهنگی در نظر گرفته است و ارتباط آن‌ها را با میزان سواد و خطمشی سیاسی در کشورهای اروپایی بررسی کرد. او دریافت که شاخص‌های پیش‌گفته با هم ارتباط معناداری دارند و ارتقای آن‌ها از پیش‌شرط‌های توسعه اقتصادی سیاسی در کشورهای اروپایی است.

توبادجی (۲۰۱۳) چارچوب مفهومی برای درک نقش فرهنگ بر رشد اقتصادی ارائه داد. او حقوق و سرمایه فیزیکی انسانی را به عنوان معیارهای مدل رشد در نظر گرفت و ویژگی‌های مدل‌های رشد را با مؤلفه‌های نهادی مرتبط کرد. توبادجی دریافت که فرهنگ با نفوذ در عوامل نهادی بر سازوکارهای تولیدی تأثیر داشته و موجب رشد می‌شود.

آلنسیا و جولیانو (۲۰۱۵) رابطه میان شاخص‌های فرهنگی نظیر اعتماد، فردگرایی، روابط خانوادگی، اخلاق و باورهای شغلی را با شاخص‌های راهبردی قوانین و مقررات اجتماعی، رفاه عمومی و حمایت سیاسی بررسی کردند. آن‌ها دریافتند فرهنگ و حاکمیت رابطه پیچیده‌ای در سطح ملی و تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند.

گوردونینکو و رونالد (۲۰۱۷) این بحث را مطرح کردند که فردگرایی در آن‌ها بیشتر است، نواوری و رشد بهتر خواهد بود. آن‌ها با بررسی ژن اشخاص، نمونه خون و پیشینه پاتوژن‌ها^{۲۷}، فردگرایی را کمی‌سازی کردند و شواهدی ارائه دادند که حاکی از رابطه متقابل شاخص فردگرایی در حوزه فرهنگ با شاخص موقعیت اجتماعی در حوزه راهبردی بود.

25. Schwartz
26. Pathogens

۱-۴- تأثیر فرهنگ ملی بر شاخص‌های راهبردی

با توجه به مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش، انتظار می‌رود شاخص‌های فرهنگی بر شاخص‌های راهبردی تأثیرگذار باشند. از این‌رو، فرضیه اصلی پژوهش به صورت کلی بر محور تأثیرگذاری شاخص‌های فرهنگ ملی بر شاخص‌های راهبردی بانک جهانی تدوین شده است. فرضیه‌های فرعی پژوهش نیز شاخص‌های فرهنگ ملی را به تفکیک به عنوان متغیرهای توضیحی و مستقل در نظر گرفته‌اند و تأثیر آن‌ها را به طور جهت‌دار بر مجموع شاخص‌های راهبردی بررسی می‌کنند؛ بنابراین، این پژوهش شامل یک فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی است. فرضیه اصلی پژوهش: میان شاخص‌های فرهنگ ملی و مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معناداری وجود دارد.

۱-۴-۱- فاصله قدرت کم / زیاد

با توجه به تعریف فاصله قدرت و تبیین اینکه در یک جامعه با فاصله قدرت بالا، رهبران و مسئولان انتظار دارند، هر آنچه می‌گویند بلا فاصله و بدون هیچ‌گونه پرسشی اجرا شود، انتظار می‌رود فاصله قدرت بر مجموع شاخص‌های راهبردی تأثیرگذار باشد ([دنیل و همکاران، ۲۰۱۲](#)). به صورت جزئی انتظار می‌رود فاصله قدرت زیاد به کنترل کمتر فساد، مسئولیت پاسخ‌گویی کمتر، حاکمیت قانون کمتر، تأثیرگذاری کمتر دولت و ثبات سیاسی کمتر در جامعه منجر شود ([سیزلویچ، ۲۰۱۴](#)). فرضیه فرعی اول: شاخص فاصله قدرت با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و منفی دارد.

۱-۴-۲- فردگرایی / جمع‌گرایی

تاکنون پژوهش‌های بسیاری همچون [گریف^{۲۷}](#) (۱۹۹۶)، [گوردونینیکو و رونالد^{۲۸}](#) (۲۰۱۷؛ ۲۰۱۵) بر شاخص فردگرایی / جمع‌گرایی به عنوان متغیر توضیحی تمرکز کرده و همه این پژوهش‌ها امتیاز بالا در این شاخص را برای بهبود وضعیت جامعه توصیه کرده‌اند. [هاین^{۲۹}](#) (۲۰۰۸) نیز این شاخص را به عنوان تنها متغیر فرهنگی کلی می‌داند که تبیین کننده تفاوت‌های اصلی میان کشورهای است. [آلنسیا و جولیانو^{۳۰}](#) و [گوردونینیکو و رونالد^{۳۱}](#) مشترکاً بیان می‌کنند که فردگرایی زیاد تأثیر مثبتی بر میزان رشد کشورها دارد و موجب افزایش اعتماد مردم به دولت می‌شود. به صورت دقیق‌تر انتظار می‌رود فردگرایی زیاد باعث کنترل بیشتر دولت و ثبات سیاسی بیشتر پاسخ‌گویی بیشتر، کیفیت ناظارت بیشتر، حاکمیت بیشتر قانون، تأثیرگذاری بیشتر دولت و ثبات سیاسی بیشتر در جامعه شود. فرضیه فرعی دوم: شاخص فردگرایی با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.

۱-۴-۳- مردانه‌طبعی / زنانه‌طبعی

با توجه به تعریف مردانه‌طبعی / زنانه‌طبعی و تبیین اینکه در کشورهایی که مردانه‌طبعی زیاد دارند، نتیجه

27. Greif

28. Heine

نهایی مدنظر است (**هافتند و همکاران، ۲۰۱۰**). ازین‌رو، می‌توان این نظریه را مطرح کرد که اولویت چنین کشورهایی بر مؤثر بودن نظامهای کنترلی و ایفای نقش نظارتی کارا در سطح جامعه است. همچنین با توجه به اینکه در جوامعی که زنانه طبیعی بالا دارند، به مسئولیت پاسخ‌گویی، کمتر توجه می‌شود (**پیغه، زارعی و عفری، ۲۰۱۷**، انتظار می‌رود امتیاز بالا در شاخص مردانه طبیعی باعث کنترل بیشتر فساد، مسئولیت پاسخ‌گویی بیشتر، کیفیت نظارت بیشتر، حاکمیت بیشتر قانون، تأثیرگذاری بیشتر دولت و ثبات سیاسی بیشتر در جامعه شود. فرضیه فرعی سوم: شاخص مردانه طبیعی با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.

۱-۴-۴- ابهام‌گریزی کم / زیاد

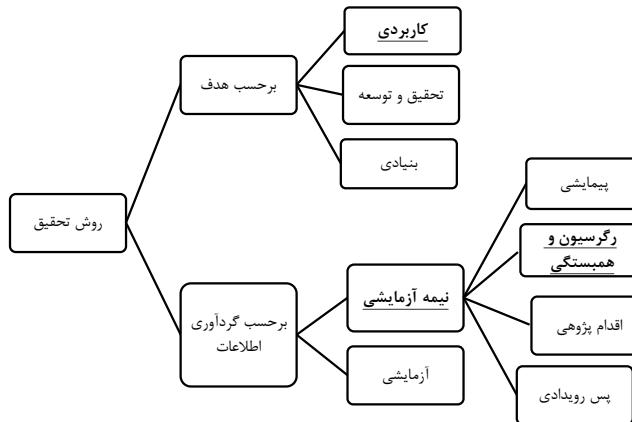
با توجه به تعریف ابهام‌گریزی و تبیین اینکه در فرهنگ‌های ابهام‌گریز، جوامع به اعمال کنترل و نظارت بیشتر در قالب قوانین و مقررات مبادرت می‌ورزند، انتظار می‌رود جوامعی که امتیاز بالایی در این شاخص دارند، محیط را در قالب قوانین سخت‌گیرانه برای گذر از عدم اطمینان کنترل کنند (**هاشتند و همکاران، ۲۰۱۰**). ازین‌رو، انتظار می‌رود امتیاز بالا در شاخص ابهام‌گریزی باعث کنترل بیشتر فساد، مسئولیت پاسخ‌گویی بیشتر، کیفیت نظارت بیشتر، حاکمیت بیشتر قانون، تأثیرگذاری بیشتر دولت و ثبات سیاسی بیشتر در جامعه شود. فرضیه فرعی چهارم: شاخص ابهام‌گریزی با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.

۱-۴-۵- افق دید کوتاه‌مدت / افق دید بلندمدت

با توجه به ویژگی‌های جوامعی که افق دید بلندمدت دارند، انتظار می‌رود امتیاز بالا در این شاخص بر شاخص‌های راهبردی نیز تأثیرگذار باشد و برنامه‌ریزی بلندمدت برای آینده در جوامع مختلف برای جلوگیری از فساد، حفظ حاکمیت قانون و تأثیرگذاری دولت، تأکید بر مسئولیت پاسخ‌گویی به همراه نظارت مستمر و جلوگیری از عدم ثبات سیاسی در جوامع همراه باشد (**سیزلوچ، ۲۰۱۴**). فرضیه فرعی پنجم: شاخص افق دید بلندمدت با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.

۱-۴-۶- افراط‌گرایی / خویشتن‌داری

با توجه به تعریف این شاخص، جوامعی که افراط‌گرایی بالایی دارند، بیشتر به آزادی بیان، آزادی اجتماعی و رضایت مردم از زندگی اهمیت می‌دهند (**هاشتند و همکاران، ۲۰۱۰**). ازین‌رو، با توجه به ویژگی‌ها و تعریف این شاخص می‌توان این نظریه را مطرح کرد که امتیاز بالا در این بُعد، با توجه به تعریف شاخص مسئولیت‌پذیری، بهطور مثبتی با آن در ارتباط باشد؛ همین موضوع می‌تواند ثبات سیاسی بهتری را در جامعه رقم زند و حاکمیت بیشتر قانون، کیفیت نظارتی بهتر و تأثیرگذاری بیشتر دولت در رفاه عمومی جامعه را به دنبال داشته باشد. فرضیه فرعی ششم: شاخص افراط‌گرایی با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.



تصویر ۱- انتخاب روش پژوهش

۲- روش‌شناسی پژوهش

۱-۲ روش پژوهش

روش‌های پژوهش بر اساس «هدف» و «روش گردآوری اطلاعات» در تصویر شماره ۱ دسته‌بندی شده است. موضوع پژوهش حاضر به دلیل ماهیت آن و استفاده از نتایج مطالعات اسنادی از نوع کاربردی است (حافظ نیا، ۲۰۰۸). در دسته‌بندی بر حسب «گردآوری اطلاعات» پژوهش حاضر از نوع «نیمه‌آزمایشی» با روش «رگرسیون» است.

۲-۲ منابع داده

در این پژوهش داده‌های چهار شاخص فرهنگ ملی شامل فاصله قدرت، فردگرایی، مردانه‌طبعی و ابهام‌گریزی از پژوهش‌های هافستد (۱۹۸۳، ۲۰۰۳)، داده‌های شاخص پنجم یعنی افق دید از پژوهش هافستد و بوند (۱۹۸۸) و درنهایت، داده‌های شاخص ششم یعنی افراطگرایی از پژوهش هافستد و همکاران (۲۰۱۰) برگرفته شده است. در مرحله اول، پژوهش گسترده در ۴۰ کشور بین سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۷۳ انجام شد و سپس تحلیل‌ها را به بیش از ۱۰۰ هزار پرسش نامه در ۷۶ کشور بسط دادند. سپس بعد پنجم (افق دید) و ششم (افراتگرایی) در دو پژوهش جداگانه با همکاری بوند و مینکوو^۹ برای ۹۳ کشور شناسایی و به ابعاد پیشین اضافه شدند. در نهایت با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی، همه شاخص‌های فرهنگی مدنظر برای ۷۴ کشور از سایت رسمی هافستد (۲۰۱۷) جمع‌آوری و در پژوهش حاضر ارائه شده است.

همچنین، شش شاخص راهبردی تحت پژوهش بانک جهانی و در پژوهشی پراستناد که همچنان در حال بهروزرسانی است، توسط **کوفمن و همکاران (۲۰۰۷؛ ۲۰۱۰)** ارائه شده است. این پژوهش بسیار وسیع بوده و برای ۲۱۲ کشور در سراسر جهان شش شاخص راهبردی را ارائه کرده است. درنهایت، با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی همه شاخص‌های راهبردی مدنظر برای ۷۴ کشور از سایت رسمی بانک جهانی (۲۰۱۷) جمع‌آوری و در پژوهش حاضر ارائه شده است. همچنین با توجه به اینکه به پیروی از **سیزلویج (۲۰۱۴)** مجموع شش شاخص راهبردی به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شده است، با استفاده از نرم‌افزار اسماارت پی‌ال‌اس^۳، تجزیه و تحلیل عاملی ۳۱ و قابلیت اطمینان کرونباخ آلفا برای شش شاخص راهبردی بانک جهانی برآورد شدند. نتیجه این دو آزمون به ترتیب بیش از ۸۰٪ و ۹۷٪ بوده است؛ بنابراین، جمع امتیاز شش شاخص به عنوان یک متغیر وابسته و کلی در نظر گرفته شده است.

۳-۲- الگوی پژوهش

مدل رگرسیونی که در این پژوهش برآورد شده است، به شرح زیر است:

$$INS-COM_i = \alpha II + \lambda III PDI_i + \lambda I2 IDV_i + \lambda I3 MAS_i + \lambda I4 UAI_i + \lambda I5 LTO_i + \lambda I6 IND_i + EI_i$$

که در آن:

INS-COM مجموع امتیازات شش شاخص راهبردی بانک جهانی، PDI شاخص فاصله قدرت، IDV شاخص فردگرایی، MAS شاخص مردانه طبیعی، UAI شاخص ابهام‌گریزی، LTO شاخص افق دید بلندمدت و IND شاخص افراط‌گرایی است. برای محاسبه رگرسیون‌های چندخطی بالا از نرم‌افزار استتا^{۳۲} استفاده شده است. در ادامه و در **جدول شماره ۱** امتیاز شش شاخص فرهنگی به عنوان متغیرهای توضیحی پژوهش در ۷۴ کشور مطالعه شده در محدوده، حداقل صفر و حداکثر ۱۰۰ ارائه شده است. در ادامه و در **جدول شماره ۲** امتیاز شش شاخص راهبردی و جمع آن‌ها به عنوان متغیرهای وابسته پژوهش در ۷۴ کشور مورد در محدوده حداقل ۰-۲/۵ و حداکثر ۲/۵ برای هر شاخص ارائه شده است.

۳- یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی تدوین شده است و درنهایت، تجزیه و تحلیل‌های آماری برای پذیرش یا رد فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود.

۳-۱- آمار توصیفی

در گام اول، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود. **جدول شماره ۳** نشان‌دهنده خلاصه‌ای از آمار

- 30. Smart PLS
- 31. Confirmatory factor analysis
- 32. Stata software 13

جدول ۱. امتیاز متغیرهای توضیحی پژوهش در ۴۷ کشور مورد مطالعه

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه‌طبعی	ابهام‌گریزی	افق دید	افرات‌گرایی
تریش	۱۱	۵۶	۷۹	۷۰	۶۰	۶۳
اردن	۷۰	۳۰	۴۵	۶۵	۱۶	۴۳
اروگوته	۶۱	۳۶	۳۸	۹۹	۲۶	۵۳
اسپانیا	۵۷	۵۱	۴۲	۸۶	۴۸	۴۴
استرالیا	۳۶	۹۰	۶۱	۵۱	۲۱	۷۱
استونی	۴۰	۶۰	۳۰	۶۰	۸۲	۱۶
اوکراین	۹۹	۲۵	۲۷	۹۹	۵۵	۱۸
انگلستان	۳۵	۸۹	۶۶	۳۵	۵۱	۶۹
ایالات متحده	۴۰	۹۱	۶۲	۴۶	۶۶	۶۸
ایتالیا	۵۰	۷۶	۷۰	۷۵	۶۱	۳۰
ایرلند	۲۸	۷۰	۶۸	۳۵	۲۴	۶۵
ایسلند	۳۰	۶۰	۱۰	۵۰	۲۸	۶۷
آرژانتین	۴۹	۴۶	۴۶	۸۶	۲۰	۶۲
آلبانی	۹۰	۲۰	۸۰	۷۰	۶۱	۱۵
آلمان	۳۵	۶۷	۶۶	۶۵	۸۳	۴۰
آنگولا	۸۳	۱۸	۲۰	۶۰	۱۵	۸۳
برزیل	۶۹	۳۸	۴۹	۷۶	۴۴	۵۹
بلژیک	۶۵	۷۵	۵۴	۹۴	۸۲	۵۷
بلغارستان	۷۰	۳۰	۴۰	۸۵	۶۹	۱۶
بنگلادش	۸۰	۲۰	۵۵	۶۰	۹۷	۲۰
بورکینافاسو	۷۰	۱۵	۵۰	۵۵	۲۷	۱۸
پرتغال	۶۳	۲۷	۳۱	۹۹	۲۸	۳۳

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه‌طبعی	ابهام‌گریزی	افق دید	افرات‌گرایی
پرو	۶۴	۱۶	۴۲	۸۷	۲۵	۴۶
پورتوریکو	۶۸	۲۷	۵۶	۳۸	۱۹	۹۹
تanzania	۷۰	۲۵	۴۰	۵۰	۳۴	۳۸
تایلند	۶۴	۲۰	۳۳	۶۴	۳۲	۴۵
تایوان	۵۸	۱۷	۴۵	۶۹	۹۳	۴۹
ترکیه	۶۶	۳۷	۴۵	۸۵	۴۶	۴۹
ترینیداد و توباگو	۴۷	۱۶	۵۸	۵۵	۱۳	۸۰
ایران	۵۸	۴۱	۴۳	۵۹	۱۴	۴۰
جمهوری چک	۵۷	۵۸	۵۷	۷۳	۷۰	۲۹
جمهوری دومینیکن	۶۵	۳۰	۶۵	۴۵	۱۳	۵۴
جمهوری کره جنوبی	۶۰	۱۸	۳۹	۸۵	۱۰۰	۲۹
چین	۸۰	۲۰	۶۶	۳۰	۸۷	۲۴
دانمارک	۱۸	۷۴	۱۶	۲۳	۳۵	۷۰
رمانی	۹۰	۳۰	۴۲	۹۰	۵۲	۲۰
روسیه	۹۳	۳۹	۳۶	۹۵	۸۱	۲۰
زامبی	۶۰	۳۵	۴۰	۵۰	۳۰	۴۲
ژاپن	۵۴	۴۶	۹۵	۹۲	۸۸	۴۲
السالادور	۶۶	۱۹	۴۰	۹۴	۲۰	۸۹
سوئد	۳۱	۷۱	۵	۲۹	۵۳	۷۸
سوئیس	۳۴	۶۸	۷۰	۵۸	۷۴	۶۶
شیلی	۶۳	۲۳	۲۸	۸۶	۳۱	۶۸
عراق	۹۵	۳۰	۷۰	۸۵	۲۵	۱۷
عربستان	۹۵	۲۵	۶۰	۸۰	۳۶	۵۲
غنا	۸۰	۱۵	۴۰	۶۵	۴	۷۲

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه‌طبعی	ابهام‌گریزی	افق دید	افراتگرایی
فرانسه	۶۸	۷۱	۴۳	۸۶	۶۳	۴۸
فنلاند	۳۳	۶۳	۲۶	۵۹	۳۸	۵۷
فیلیپین	۹۴	۳۲	۶۴	۴۴	۲۷	۴۲
کانادا	۳۹	۸۰	۵۲	۴۸	۳۶	۶۸
کرواسی	۷۳	۳۳	۴۰	۸۰	۵۸	۳۳
کلمبیا	۶۷	۱۳	۶۴	۸۰	۱۳	۸۳
لبنان	۷۵	۴۰	۶۵	۵۰	۱۴	۲۵
لتونی	۴۴	۷۰	۹	۶۳	۶۹	۱۳
لوکزامبورگ	۴۰	۶۰	۵۰	۷۰	۶۴	۵۶
لهستان	۶۸	۶۰	۶۴	۹۳	۳۸	۲۹
لیبی	۸۰	۳۸	۵۲	۶۸	۶۳	۳۴
لیتوانی	۴۲	۶۰	۱۹	۶۵	۸۲	۱۶
مالتا	۵۰	۵۹	۴۷	۹۶	۹۷	۶۶
مالزی	۱۰۰	۲۶	۵۰	۳۶	۴۱	۵۷
مبارستان	۴۶	۸۰	۸	۸۲	۵۸	۳۱
مصر	۷۰	۲۵	۴۵	۸۰	۷	۴
مکزیک	۸۱	۳۰	۶۹	۸۲	۲۴	۹۷
موراکو	۷۰	۴۶	۵۳	۶۸	۱۴	۲۵
موزامبیک	۸۵	۱۵	۳۸	۴۴	۱۱	۸۰
نروژ	۳۱	۶۹	۸	۵۰	۳۵	۵۵
نیجریه	۸۰	۳۰	۶۰	۵۵	۱۳	۸۴
نیوزلند	۲۲	۷۹	۵۸	۴۹	۳۳	۷۵
ونزوئلا	۸۱	۱۲	۷۳	۷۶	۱۶	۱۰۰
ویتنام	۷۰	۲۰	۴۰	۳۰	۵۷	۳۵

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه‌طبعی	ابهام‌گریزی	افق دید	افرات‌گوایی
هلند	۳۸	۸۰	۱۴	۵۳	۶۷	۶۸
هند	۷۷	۴۸	۵۶	۴۰	۵۱	۲۶
هنگ‌کنگ	۶۸	۲۵	۵۷	۲۹	۶۱	۱۷
یونان	۶۰	۳۵	۵۷	۱۰۰	۴۵	۵۰

تصویفی متغیرهای اصلی پژوهش است. مجموع امتیاز شاخص‌های راهبردی در محدوده ۱۱/۱۸ تا ۱۱/۰۶ با میانگین ۲/۱۸۵ و میانه ۱/۸۷۰ است؛ میانگین همه متغیرهای بُعد فرهنگی، در محدوده ۴۰-۶۰ است و میانه آن‌ها نیز در محدوده ۳۵ تا ۶۵ است؛ این موارد و انحراف معیار داده‌ها نشان می‌دهند در متغیرهای فرهنگی داده‌های پرت وجود ندارد.

جدول ۲. امتیاز متغیرهای وابسته پژوهش در ۴۷ کشور مورد مطالعه

کشور	مسئلولیت‌پذیری	ثبات سیاسی	تأثیرگذاری دولت	کیفیت نظارت	حاکمیت قانون	کنترل فساد	جمع
اتریش	۱/۲۹	۰/۸۲	۱/۵۱	۱/۴۴	۱/۷۸	۱/۵۴	۸۳۸
اردن	-۰/۷۶	-۰/۵۳	-۰/۱۴	-۰/۰۵	۰/۳۱	۰/۲۷	-۰/۵۲
اروگوئه	۱/۱۸	۱/۱۰	۰/۵۵	-۰/۴۹	۰/۶۳	۱/۳۳	۴/۲۹
اسپانیا	۱/۰۶	۰/۴۹	۱/۱۲	۱/۰۱	۰/۹۸	۰/۵۴	۵/۲۰
استرالیا	۱/۳۰	۰/۹۶	۱/۵۸	۱/۹۰	۱/۷۸	۱/۷۷	۹/۲۹
استونی	۱/۲۰	۰/۶۹	۱/۱۲	۱/۷۰	۱/۲۴	۱/۲۱	۷/۱۶
اوکراین	+۰/۰۲	-۱/۸۹	-۰/۵۸	-۰/۴۳	-۰/۲۷	-۰/۸۴	-۴/۴۹
انگلستان	۱/۲۴	۰/۳۸	۱/۶۱	۱/۷۶	۱/۶۳	۱/۸۸	۸/۵
ایالات متحده	۱/۱۰	۰/۳۵	۱/۴۸	۱/۵۰	۱/۶۷	۱/۳۳	۷/۴۳
ایتالیا	۱/۰۴	۰/۳۵	۰/۵۱	۰/۷۱	۰/۲۷	۰/۰۵	۲/۹۳
ایرلند	۱/۲۹	۰/۸۸	۱/۴۵	۱/۷۴	۱/۵۴	۱/۶۳	۸/۴۳
یسلند	۱/۲۴	۱/۲۳	۱/۴۱	۱/۲۸	۱/۵۱	۱/۹۹	۸/۸۶

کشور	مسئولیت‌پذیری	ثبات سیاسی	تأثیرگذاری دولت	کیفیت نظرات	حاکمیت قانون	کنترل فساد	جمع
آرژانتین	+۰/۵۴	+۰/۲۲	+۰/۱۸	-۰/۳۷	-۰/۳۵	-۰/۳۱	-۰/۱۹
آلبانی	+۰/۱۶	+۰/۲۶	+۰/۰۰	+۰/۱۹	-۰/۳۵	-۰/۴۰	-۰/۱۴
آلمان	+۱/۱۳	+۰/۷۶	+۱/۷۴	+۱/۸۲	+۱/۶۱	+۱/۸۳	+۹/۰۹
آنگولا	-۱/۱۷	-۰/۳۹	-۱/۰۴	-۱/۰۰	-۱/۰۸	-۱/۴۱	-۶/۰۹
برزیل	+۰/۴۷	+۰/۴۵	-۰/۱۸	-۰/۲۱	-۰/۰۸	-۰/۴۴	-۰/۸۹
بلژیک	+۱/۳۵	+۰/۴۸	+۱/۳۳	+۱/۳۴	+۱/۴۰	+۱/۶۰	+۷/۵
بلغارستان	+۰/۳۴	+۰/۰۳	+۰/۲۹	+۰/۶۶	-۰/۰۴	-۰/۱۶	+۱/۲۲
بنگلادش	-۰/۵۶	-۱/۲۴	-۰/۶۹	-۰/۸۰	-۰/۵۹	-۰/۸۰	-۴/۶۸
بورکینافاسو	+۰/۰۴	+۰/۹۵	-۰/۵۵	-۰/۴۰	-۰/۴۵	-۰/۱۳	-۲/۴۴
پرتغال	+۱/۱۷	+۱/۰۲	+۱/۲۲	+۰/۸۴	+۱/۱۳	+۰/۶۵	+۶/۳۴
پرو	+۰/۲۸	-۰/۱۶	-۰/۱۷	+۰/۵۱	-۰/۴۹	-۰/۳۵	-۰/۳۸
پورتوریکو	+۰/۴۰	+۰/۸۱	+۰/۳۸	+۰/۹۵	+۰/۶۸	+۰/۴۹	+۳/۲۶
تائزانیا	-۰/۱۸	-۰/۴۱	-۰/۵۵	-۰/۴۴	-۱/۳۹	-۰/۵۱	-۳/۴۸
تیلند	-۱/۱۰	-۰/۹۳	+۰/۳۴	+۰/۱۷	+۰/۰۱	-۰/۴۰	-۱/۹۱
تایوان	+۱/۰۴	+۰/۹۳	+۱/۳۷	+۱/۲۹	+۱/۱۴	+۰/۸۶	+۶/۶۳
ترکیه	-۰/۶۳	-۲/۰۰	+۰/۰۵	+۰/۲۰	-۰/۱۶	-۰/۲۰	-۲/۷۴
ترینیداد و توباگو	+۰/۶۰	+۰/۲۸	+۰/۲۲	+۰/۰۹	-۰/۱۶	-۰/۲۶	+۰/۷۷
ایران	-۱/۳۹	-۰/۷۴	-۰/۲۰	-۱/۲۳	-۰/۷۱	-۰/۷۲	-۴/۹۹
جمهوری چک	+۱/۰۵	+۰/۹۹	+۱/۰۶	+۰/۹۹	+۱/۰۹	+۰/۵۱	+۰/۶۹
جمهوری دومینیکن	+۰/۱۹	+۰/۲۹	-۰/۲۵	-۰/۰۷	-۰/۲۹	-۰/۷۸	-۰/۹۱
جمهوری کره جنوبی	+۰/۶۳	+۰/۱۷	+۱/۰۷	+۱/۱۱	+۱/۱۴	+۰/۳۷	+۴/۴۹
چین	-۱/۶۲	-۰/۵۲	+۰/۳۶	-۰/۲۶	-۰/۲۲	-۰/۲۵	-۲/۵۱

کشور	مسئولیت پذیری	ثبات سیاسی	تأثیرگذاری دولت	کیفیت نظارت	حاکمیت قانون	کترول فساد	جمع
دانمارک	۱/۴۷	۰/۸۵	۱/۸۶	۱/۵۸	۱/۹۰	۲/۲۴	۹/۹
رمانی	۰/۵۱	۰/۲۷	-۰/۱۷	۰/۵۹	۰/۳۰	۰/۰۰	۱/۵
روسیه	-۱/۲۱	-۰/۸۹	-۰/۲۲	-۰/۴۲	-۰/۷۰	-۰/۸۶	-۴/۳
زامبیا	-۰/۳۰	۰/۱۸	-۰/۶۶	-۰/۴۸	-۰/۳۰	-۰/۴۰	-۱/۹۶
ژلین	۱/۰۰	۱/۰۱	۱/۸۳	۱/۴۳	۱/۳۸	۱/۵۱	۸/۱۶
السالوادور	۰/۲۸	-۰/۰۶	-۰/۲۸	۰/۰۹	-۰/۷۱	-۰/۵۷	-۱/۲۵
سوئد	۱/۵۰	۰/۹۸	۱/۷۹	۱/۸۵	۲/۰۴	۲/۲۲	۱۰/۳۸
سوئیس	۱/۴۶	۱/۳۲	۲/۰۳	۱/۹۱	۱/۹۴	۲/۰۵	۱۰/۷۱
شیلی	۱/۰۰	۰/۵۱	۱/۰۲	۱/۳۷	۱/۱۳	۱/۱۱	۶/۱۴
عراق	-۱/۰۱	-۲/۲۸	-۱/۲۶	-۱/۱۳	-۱/۷۰	-۱/۴۰	-۸/۷۸
عربستان	-۱/۷۸	-۰/۵۰	-۰/۲۴	-۰/۰۸	۰/۴۷	۰/۲۳	-۱/۲۶
غنا	+۰/۶۴	-۰/۱۶	-۰/۲۰	-۰/۲۳	۰/۰۰	-۰/۱۷	-۰/۱۲
فرانسه	۱/۰۸	۰/۰۶	۱/۴۱	۱/۰۷	۱/۳۱	۱/۳۷	۶/۴
فلاداد	۱/۴۹	۰/۹۶	۱/۸۵	۱/۸۲	۲/۰۲	۲/۲۸	۱۰/۴۲
فیلیپین	۰/۱۴	-۱/۳۰	-۰/۰۱	۰/۰۰	-۰/۴۰	-۰/۵۳	-۲/۱
کانادا	۱/۳۸	۱/۲۴	۱/۸۰	۱/۷۴	۱/۸۴	۱/۹۸	۹/۹۸
کرواسی	۰/۵۲	۰/۶۸	۰/۴۹	۰/۳۶	۰/۴۴	۰/۱۹	۲/۶۸
کلمبیا	۰/۱۰	-۰/۹۶	۰/۰۲	۰/۴۰	-۰/۳۳	-۰/۳۴	-۱/۱۱
لبنان	-۰/۵۲	-۱/۵۶	-۰/۵۳	-۰/۳۴	-۰/۸۶	-۰/۹۷	-۴/۷۸
لتونی	۰/۸۷	۰/۳۹	۱/۰۰	۱/۰۸	۰/۹۵	۰/۹۹	۴/۷۸
لوکزامبورگ	۱/۴۴	۱/۴۱	۱/۶۹	۱/۷۲	۱/۷۱	۲/۰۸	۱۰/۰۵
لهستان	۰/۸۴	۰/۵۱	۰/۶۹	۰/۹۵	۰/۶۸	۰/۷۵	۴/۴۲

کشور	مسئولیت‌پذیری	ثبات سیاسی	تأثیرگذاری دولت	کیفیت نظرات	حکومیت قانون	کنترل فساد	جمع
لیبی	-۱/۴۷	-۲/۲۱	-۱/۸۹	-۲/۲۷	-۱/۸۷	-۱/۵۷	-۱۱/۱۸
لیتوانی	۰/۹۹	۰/۸۰	۱/۰۹	۱/۱۴	۱/۰۲	۰/۶۷	۵/۷۱
ملتا	۱/۲۰	۱/۰۸	۰/۹۵	۱/۱۶	۱/۰۸	۰/۷۲	۶/۱۹
مالزی	-۰/۴۷	۰/۱۰	۰/۸۸	۰/۷۱	۰/۵۴	۰/۱۱	۱/۷۸
مجارستان	۰/۳۷	۰/۷۱	۰/۴۵	۰/۶۰	۰/۵۱	۰/۰۸	۷۲
مصر	-۱/۴۳	-۱/۴۲	-۰/۶۶	-۰/۹۲	-۰/۴۱	-۰/۶۳	-۵/۲۷
مکزیک	-۰/۰۹	-۰/۷۷	۰/۱۴	۰/۲۹	-۰/۵۰	-۰/۲۷	-۱/۷۰
موراکو	-۰/۶۵	-۰/۲۹	-۰/۱۰	-۰/۲۳	-۰/۱۴	-۰/۱۵	-۱/۵۶
موزامبیک	-۰/۴۹	-۱/۰۵	-۰/۸۵	-۰/۷۰	-۱/۰۲	-۰/۸۷	-۴/۸۸
نروژ	۱/۵۸	۱/۱۷	۱/۸۸	۱/۷۰	۲/۰۲	۲/۲۰	۱۰/۵۵
نیجریه	-۰/۴۰	-۱/۸۵	-۱/۰۹	-۰/۹۲	-۱/۰۴	-۱/۲۵	-۶/۲۵
نیوزلند	۱/۴۴	۱/۴۹	۱/۸۶	۲/۰۴	۱/۹۳	۲/۳۰	۱۱/۰۶
ونزوئلا	-۱/۱۳	-۱/۰۳	-۱/۲۹	-۲/۰۰	-۲/۱۸	-۱/۳۹	-۹/۰۲
ویتنام	-۱/۴۱	۰/۱۷	۰/۰۱	-۰/۴۵	۰/۰۵	-۰/۴۰	-۲/۰۳
هلند	۱/۴۸	۰/۸۹	۱/۸۴	۱/۹۸	۱/۸۹	۱/۹۵	۱۰/۰۳
هند	۰/۴۱	-۰/۹۵	۰/۱۰	-۰/۳۱	-۰/۰۷	-۰/۳۰	-۱/۱۲
هنگ‌کنگ	۰/۲۷	۰/۸۴	۱/۸۶	۲/۱۵	۱/۷۰	۱/۵۸	۸۴
یونان	۰/۶۵	-۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۲۰	-۰/۰۵	۱/۰۲

۱-۱-۳- جمع شاخص‌های راهبردی

بر اساس **جدول شماره ۴**، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص، کمتر از میانگین است. کشورهای نروژ، سوئیس و نیوزلند بیشترین امتیاز در جمع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی را دارند. این بدان معنی است که این کشورها ثبات سیاسی اجتماعی دارند و این موضوع موجب توسعه اقتصادی آن‌ها شده است. در

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
جمع شاخص‌های راهبردی	۲/۱۸	۱/۸۷	۵/۶۴۸	-۱۱/۱۸	۱۱/۰۶
فاصله قدرت	۶۱/۰۶۸	۶۵	۲۰/۶۰۲	۱۱	۱۰۰
فردگرایی	۴۳/۰۹۵	۳۷	۲۲/۶۳۷	۱۲	۹۱
مردانه‌طبعی	۴۸/۵۴۱	۵۰	۱۸/۶۹۸	۵	۹۵
ابهام‌گریزی	۶۶/۰۱۴	۶۵	۲۰/۵۰۴	۲۳	۱۰۰
افق دید بلندمدت	۴۲/۶۲۲	۳۸	۲۴/۰۲۹	۴	۱۰۰
افراطگرایی	۴۸/۶۷۶	۴۹	۲۳/۵۶۷	۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۴. آمار توصیفی شاخص‌های پژوهش براساس کشورها

متغیرها	ایران	مقدار براساس جدول ۱ و ۲	مقدار براساس جدول ۱ و ۲	حداقل براساس کشور	حداکثر براساس کشور	مقدار براساس جدول ۱ و ۲	مقدار براساس جدول ۱ و ۲	مقدار براساس جدول ۱ و ۲	نیوزلند	سوئیس	نروژ	لیبی	ونزوئلا	عراق	-۴/۹۹
جمع شاخص‌های راهبردی				-۸/۷۸	-۹/۰۲	-۱۱/۱۸	۱۰/۵۵	۱۰/۷۱	۱۱/۰۶						
فاصله قدرت	۵۸			۱۱	۱۸	۲۲	۹۵	۹۹	۱۰۰	مالزی	اوکراین	عربستان	نیوزلند	دانمارک	اتریش
فردگرایی	۴۱			۱۲	۱۳	۱۵	۸۹	۹۰	۹۱	آمریکا	استرالیا	انگلیس	بورکینافاسو	کلمبیا	ونزوئلا
مردانه‌طبعی	۴۳			۵	۸	۹	۸۰	۸۸	۹۵	ژاپن	مجارستان	آلبانی	لتونی	نروژ	سوقد
ابهام‌گریزی	۵۹			۲۳	۲۹	۳۹	۹۹	۹۹	۱۰۰	یونان	اروگوئه	پرتغال	هنگ کنگ	سوئد	دانمارک
افق دید بلندمدت	۱۴			۲۳	۲۹	۳۹	۹۹	۹۹	۱۰۰	کره جنوبی	تایوان	ژاپن	موزامبیک	مصر	شنا
افراطگرایی	۴۰			۴	۴	۱۱	۸۸	۹۳	۱۰۰	ونزوئلا	پورتوریکو	مکزیک	آلبانی	مصر	۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طرف مقابل کشورهای لیبی، نزوئلا و عراق کمترین امتیاز را در این شاخص داشتند.

۲-۱-۳- فاصله قدرت

بر اساس **جدول شماره ۴**، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص نشان‌دهنده تمایل به فاصله قدرت نسبتاً زیاد است. این کشورها مشخصاً در دو طرف این رتبه بندی قراردارند: اتریش، دانمارک و نیوزلند دارای کمترین فاصله قدرت بوده، در حالی که عربستان، اوکراین و مالزی بیشترین فاصله قدرت را به خود اختصاص دادند؛ کشورهای با فاصله قدرت کم، نابرابری در قدرت را نمی‌پسندند و زیرستان، وابستگی کمتری به مدیران خود دارند، اما در فرهنگ‌هایی که شاخص فاصله قدرت آن‌ها بالاست، قدرت یک عامل اجتماعی اساسی است که در آن به اجبار رهبری تجویزشده سازمان‌ها به مردم القا شده است؛ انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهایی که امتیاز کمتری در شاخص فاصله قدرت دارند، بالاتر باشد.

۳-۱-۳- فردگرایی

بر اساس **جدول شماره ۴**، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص، نشان‌دهنده تمایل نسبی این کشور به جمع‌گرایی است. این کشورها مشخصاً در طرف این رتبه بندی قراردارند: بیشترین امتیاز فردگرایی متعلق به آمریکا، استرالیا و انگلیس است؛ در سمت دیگر که تأکید بر جمع‌گرایی است، نزوئلا، کلمبیا و بورکینافاسو کمترین امتیاز را دارند. کشورهایی که فردگرایی در آن‌ها بالاست، یافته‌ها و تلاش‌های شخصی را بر نتایج و اقدامات گروهی ترجیح می‌دهند؛ انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهایی که امتیاز فردگرایی آن‌ها بیشتر است، بالاتر باشد.

۳-۱-۴- مردانه‌طبعی

بر اساس **جدول شماره ۴**، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص نشان‌دهنده تمایل نسبی به زنانه‌طبعی در این کشور است. در این شاخص، بیشترین امتیاز را کشورهای زاپن، مجارستان و آلبانی دارند؛ در مقابل، سوئد، نروژ و لتونی کمترین امتیاز را در این بُعد دارند. درواقع، در کشورهای اسکاندیناوی که پرخاشگری، کمتر رواج دارد و صبر و تحمل بیشتر است، میثاق‌های اجتماعی پیشنهاد می‌شود، اما در کشورهای با مردانه‌طبعی بالا، نتیجه‌نهایی و موفقیت در جامعه مدنظر است. در کل انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهایی که امتیاز مردانه‌طبعی آن‌ها بیشتر است، بالاتر باشد.

۳-۱-۵- ابهام‌گریزی

بر اساس **جدول شماره ۴**، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص نشان‌دهنده تمایل به ابهام‌گریزی نسبتاً زیاد است. پرتغال، اروگوئه و یونان بیشترین ابهام‌گریزی را داشتند؛ در مقابل، دانمارک، سوئد و هنگ‌کنگ ابهام‌گریزی کمی دارند. بنابراین، بار دیگر کشورهای اسکاندیناوی با اتخاذ قوانین و مقررات کمتر برای موقعیت‌های ابهام‌برانگیز، برداری بیشتری از خود نشان دادند. انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های

راهبردی در کشورهایی که ابهام‌گریزی آن‌ها بیشتر است، بالاتر باشد.

۳-۱-۶- افق دید بلندمدت

بر اساس **جدول شماره ۴**، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در شاخص افق دید نشان‌دهنده تمایل به افق دید کوتاه‌مدت است. کشورهای زیر مشخصاً در دو طرف این طیف قرار دارند: غنا، مصر و موزامبیک افق دید کوتاه‌مدت دارند؛ در مقابل، ژاپن، تایوان و کره جنوبی دارای افق دید بلندمدت هستند. در کل انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهایی که افق دید بلندمدت دارند، بالاتر باشد.

۳-۱-۷- افراط‌گرایی

بر اساس **جدول شماره ۴**، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص نشان‌دهنده تمایل نسبی این کشور به خویشتن داری است. این کشورها مشخصاً در دو طرف این رتبه‌بندی قرار دارند: بیشترین امتیاز افراط‌گرایی متعلق به مکزیک، پورتوریکو و نیروئلا است؛ در سمت دیگر کمترین امتیاز افراط‌گرایی متعلق به مصر، لتونی و آلبانی است؛ در کل، انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهای افراط‌گرا، بالاتر باشد.

۲-۳- آمار استتباطی

در این بخش ابتدا تناسب مدل بررسی شده و آزمون‌های پیش‌فرض رگرسیون ارائه می‌شود. سپس فرضیه اصلی پژوهش آزمون شده و تجزیه و تحلیل آن ارائه می‌شود.

۳-۱-۲- تناسب مدل

نتایج آماری تناسب مدل در **جدول شماره ۵** ارائه شده است. خودهمبستگی باقیمانده‌ها با استفاده از آزمون دوربین واتسون^{۳۳} سنجش شده و مقدار آن ۲۰/۹۱ است؛ در صورتی که مقدار این آماره کمتر از ۱ یا بیشتر از ۳ باشد، زنگ هشدار برای وجود خودهمبستگی مثبت یا منفی بین باقیمانده است (**دوربین واتسون**، ۱۹۷۱). نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون جارکوبرا^{۳۴} سنجش شده و مقدار آن ۰/۵۰٪ است؛ در صورتی که سطح معنی‌داری این آماره بیشتر از ۵ درصد سطح خطای قابل قبول باشد، جملات خطای نرمال هستند (**جارکو و برا**، ۱۹۸۰). آزمون همخطی متغیرهای توضیحی با استفاده از عامل تورم واریانس^{۳۵} سنجش شده و میانگین آن برای همه متغیرهای توضیحی ۱/۶۱ است؛ اگر عامل تورم واریانس برای همه متغیرهای توضیحی، کوچک‌تر از ۲/۵ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود همخطی میان متغیرهای توضیحی است (**دیویدسون و مک‌کینون**، ۲۰۰۴).

یکی از روش‌های بررسی تناسب مدل تقسیم کای اسکوئر بر درجه آزادی^{۳۶} است که در مدل پژوهش مقدار آن

33. Durbin-Watson

34. Jarque-Bera

35. Variance Inflation Factor (VIF)

36. Degree of Freedom

جدول ۵. تناسب مدل پژوهش

آزمون عامل تورم واریانس			خلاصه کلی از تناسب مدل		آزمون‌های آماری
مقدار	متغیر	میزان مطلوب	نتایج		
۲/۴۵	فاصله قدرت	بین ۱ و ۳	۲/۰۱		آزمون دوربین واتسون
۲/۲۱	فردگرایی	بیشتر از ۵ درصد	۰/۵۰۰		آزمون جارکوبرا
۱/۰۵	مردانه‌طبعی	کمتر از ۳	۱/۳۹		کای اسکوار
۱/۱۲	ابهام‌گریزی	کمتر از ۵ درصد	۰/۰۰۰	F	احتمال آماره F
۱/۴۱	افق دید بلندمدت	تزدیک به یک	۰/۷۰۵		ضریب تبیین تعديل شده
۱/۳۳	افراطگرایی	کمتر از ۲/۵	۱/۶۱		میانگین عامل تورم واریانس

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱/۳۹ شده است، اگر مقدار این آزمون کمتر از ۳ باشد، نشان‌دهنده تناسب مدل است (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۷). احتمال آماره F نیز کمتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد مدل به طور کلی معنادار است. همچنان ضریب تعیین تعديل شده مدل نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی به طور کلی بیش از ۷۰ درصد متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

۲-۲-۳- فرضیه اصلی پژوهش

جدول شماره ۶ نشان‌دهنده همبستگی چندخطی میان متغیرهای توضیحی فاصله قدرت، فردگرایی، مردانه‌طبعی، ابهام‌گریزی، افق دید بلندمدت و افراطگرایی با متغیر وابسته پژوهش یعنی جمع امتیاز شاخص‌های راهبردی است. با توجه به **جدول شماره ۶** همبستگی معنادار و منفی میان شاخص فاصله قدرت با شاخص‌های راهبردی و همبستگی معنادار و مثبت میان شاخص فردگرایی، افق دید بلندمدت و افراطگرایی وجود دارد. این نتایج فرضیه اصلی پژوهش را تأیید و از فرضیه‌های فرعی اول، دوم، پنجم و ششم پشتیبانی می‌کنند.

۳-۲-۳- آزمون‌های اضافی

در این بخش، با استفاده از نرم‌افزار اسمرارت پی‌ال‌اس نیز دو آزمون اضافی برای اطمینان بیشتر نسبت به تجزیه و تحلیل‌ها و نتایج پژوهش حاضر ارائه شده است.

ابتدا، با استفاده از نرم افزار اسمرارت پی‌ال‌اس، برای اطمینان نسبت به نتایج آزمون همبستگی در نرم‌افزار استتا، رابطه میان همه ابعاد فرهنگ ملی به عنوان متغیر مستقل با جمع ترکیبی شاخص‌های راهبردی بانک جهانی به عنوان متغیر وابسته سنجش شده است. همان‌طور که در تصویر شماره ۲ مشاهده می‌کنید، در این آزمون اضافی نیز شاخص‌های فاصله قدرت، فردگرایی، افق دید و افراطگرایی رابطه معنی‌داری با جمع

جدول ۶. رابطه میان ابعاد فرهنگ ملی با جمع شاخص‌های راهبردی

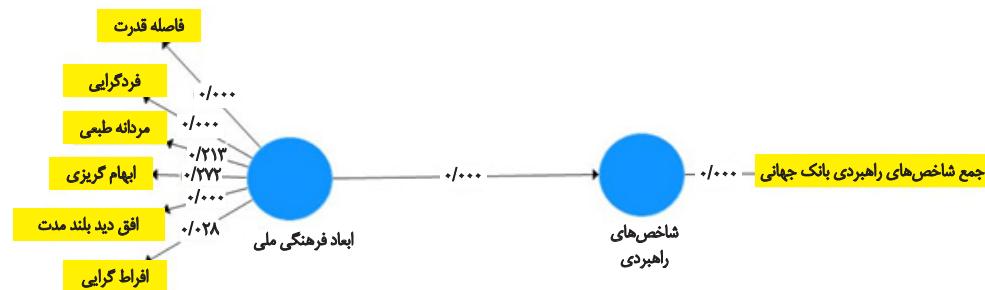
متغیر وابسته: جمع امتیاز شاخص‌های راهبردی				متغیرهای توضیحی	
نتیجه آزمون	نوع ارتباط	احتمال متغیر توضیحی	ضریب متغیر توضیحی		
پذیرش فرضیه	منفی	۰/۰۰۰	-۰/۱۳۵۳	فاصله قدرت	
پذیرش فرضیه	مثبت	۰/۰۱۸	۰/۰۵۷۴	فردگرایی	
رد فرضیه	بی معنی	۰/۲۲۲	-۰/۰۲۳۳	مردانه‌طبعی	
رد فرضیه	بی معنی	۰/۹۳۳	۰/۰۰۱۵	ابهام‌گریزی	
پذیرش فرضیه	مثبت	۰/۰۰۰	۰/۰۸۳۰	افق دید بلندمدت	
پذیرش فرضیه	مثبت	۰/۰۲۱	۰/۰۴۳۰	افراط‌گرایی	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

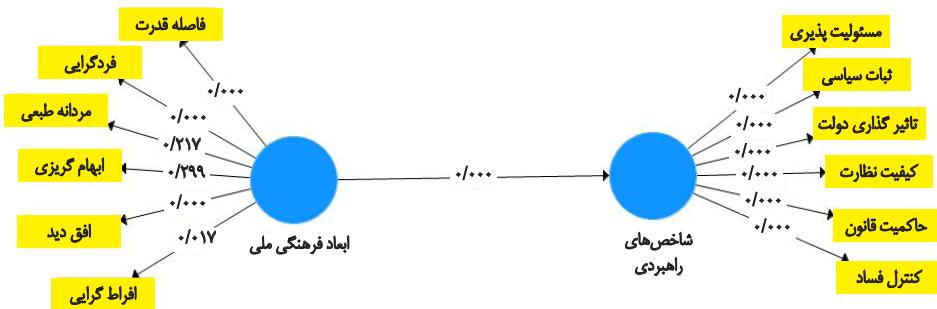
شاخص‌های راهبردی بانک جهانی دارند که بر پذیرش فرضیه اول، دوم، پنجم و ششم پژوهش تأکید می‌کند.

در گام دوم با استفاده از نرم افزار اسماارت پی‌الاس، برای اطمینان بیشتر نسبت به نتایج آزمون‌های تجزیه و تحلیل عاملی و کرونباخ آلفا که به استفاده از جمع افقی (ترکیبی) شش شاخص راهبردی بانک جهانی به عنوان یک شاخص وابسته منجر شده است. در مدل دیگری رابطه میان شش شاخص فرهنگ ملی به عنوان متغیرهای مستقل با شش شاخص راهبردی بانک جهانی به عنوان متغیرهای وابسته به تفکیک سنجش شده است.

همان‌طور که در تصویر شماره ۳ مشاهده می‌کنید، در این آزمون اضافی نیز شاخص‌های فاصله قدرت، فردگرایی، افق دید و افراط‌گرایی رابطه معنی‌داری با هر شش شاخص راهبردی بانک جهانی دارند که بر پذیرش فرضیه اول، دوم، پنجم و ششم پژوهش تأکید می‌کند. همچنین، با توجه به نتایج آزمون‌های تجزیه و تحلیل



تصویر ۲. آزمون مجدد مدل اصلی پژوهش با استفاده از نرم افزار اسماارت پی‌الاس



تصویر ۳. آزمون مدل اصلی پژوهش با تفکیک شش شاخص راهبردی در نرم افزار اسماارت پیالاس

عاملی و کرونباخ آلفا و اینکه همه شاخص‌های راهبردی معنی دار شده است. بنابراین، استفاده از جمع افقی (ترکیبی) برای شاخص‌های راهبردی بانک جهانی قابل توجیه است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

رابطه میان فرهنگ ملی با تغییرات شاخص‌های راهبردی از این ایده پشتیبانی می‌کند که هنجارهای حاکمیتی که از هنجارهای اجتماعی تأثیر می‌گیرند، با بنیان‌های فرهنگی در ارتباط هستند. اگرچه راهبری مطلوب کاملاً از شاخص‌های فرهنگی تأثیر نمی‌پذیرد و عوامل دیگری نظیر پیشینه تاریخی کشور و وضعیت اقتصادی نیز بر آن مؤثر هستند، در مجموع، می‌توان تأثیر فرهنگ را فرای سایر عوامل دانست.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه خطی معنادار میان شاخص‌های فرهنگی با مجموع شاخص‌های راهبردی است. به طور کلی نتیجه فرضیه اصلی پژوهش با مطالعات لیکت و همکاران (۲۰۰۷)، دنیل و همکاران (۲۰۱۲)، سیزلویچ (۲۰۱۴)، آنسیا و جولیانو (۲۰۱۵) مطابقت دارد. همان‌طور که انتظار می‌رفت در جوامعی که فاصله قدرت کمتر است، جمع شاخص‌های راهبردی بیشتر بوده و شرایط توسعه اجتماعی اقتصادی بهتر فراهم بوده است؛ مانند کشور نیوزلند. نتیجه فرضیه فرعی اول پژوهش با مطالعه سیزلویچ (۲۰۱۴) مطابقت دارد. همچنین در جوامعی که فردگاری بیشتر است، زیرساختمان‌ها برای پیشرفت‌های اقتصادی بیشتر و بهتر فراهم شده است و در نتیجه، جمع شاخص‌های راهبردی آن‌ها نیز بیشتر است؛ مانند استرالیا. نتیجه فرضیه فرعی دوم پژوهش با مطالعه آنسیا و جولیانو (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

در جوامعی که افق دید بلندمدت بیشتر است نیز جمع شاخص‌های راهبردی بالاتر است و این کشورها برای آینده بلندمدت خود چشم‌اندازهای روشی را پیش‌بینی کرده‌اند؛ مانند ژاپن. در جوامعی که افراط‌گرایی نسبتاً بالا دارند نیز کیفیت زندگی و آزادی به طور مطلوب فراهم آمده و موجب شده است شاخص‌های راهبردی بالایی داشته باشند؛ مانند دانمارک. برای فرضیه فرعی پنجم و ششم هیچ پژوهشی برای تطبیق یافت نشد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ ملی بر شاخص‌های راهبردی تأثیر دارد. به طور ویژه، کشورهایی که فاصله قدرت کمتر، فردگرایی، افق دید بلندمدت و افراط‌گرایی بیشتر دارند، تمایل به اتخاذ شیوه‌هایی از حکمرانی دارند که در آن، به مسئولیت پاسخ‌گویی بیشتر به‌هامی دهنده، کشورها در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی مقتدرانه عمل می‌کنند، دولتها به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام، تأثیرگذار عمل می‌کنند، به نهادهای نظارتی همچون قوه مقننه بیشتر توجه می‌شود، قانون و عدالت برای همه یکسان است و فساد تا حد قابل قبولی کنترل شده است.

در مجموع، پژوهش‌هایی که درباره شاخص‌های راهبردی و حکمرانی انجام می‌شود، تفسیر کننده نگرانی‌ها برای پیشرفت در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ بنابراین، پژوهش حاضر نیز ضمن اثبات تأثیرگذاری فرهنگ بر شاخص‌های راهبردی، توسعه در عرصه‌های مذکور را دنبال کرده و امید است استفاده از نتایج این پژوهش کاربردی برای دستیابی به اهداف مذکور مفید باشد.

با توجه به اینکه شاخص‌های راهبردی از ابعاد مهم توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند و با در نظر داشتن اثبات تأثیر شاخص‌های فرهنگی بر شاخص‌های راهبردی مدنظر پژوهش، به نهادهای مرتبط، یعنی قوه مجریه و قوه مقننه پیشنهاد می‌شود نقش فرهنگ در سلسله‌مراتب ساختاری نظام، سیستم‌های قانونی و سازوکار توسعه اقتصادی را دوباره احیا کنند. به نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی همچون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز پیشنهاد می‌شود به منظور تنظیم قوانین مؤثر حاکمیتی و نظارت مطلوب بر اجرای آن‌ها نقش اثبات شده فرهنگ ملی کشور را به عنوان عامل محیطی مهم در نظر بگیرند.

برای پژوهش‌های آتی این موضوعات پیشنهاد می‌شود: ۱. انجام پژوهش در زمینه اینکه آیا شاخص‌های راهبردی کوفرمن با بودجه‌بندی عمومی در ارتباط است یا خیر، ۲. پژوهشی مقایسه‌ای در زمینه بررسی تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی (هافت‌سین و همکاران در مقابل هوس و همکاران) بر شاخص‌های راهبردی کوفرمن.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسنده‌گان

مشارکت نویسنده‌گان مقاله به این شرح است: مفهوم‌سازی، اعتبارسنجی، منابع و نظارت: محسن دهمرده قلعه نو و روش‌شناسی، تحلیل، تحقیق و بررسی، نگارش پیش‌نویس و نهایی‌سازی: حمید زارعی.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسنده‌گان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

References

- Ahmadian, E., & Eslami, R. (2014). [Exploring attitudes toward relationship between government and nation in Iran: A Q-methodology study (Persian)]. *Quarterly Journal of Macro and Strategic Policies*, 1(4), 107-133.
- Alesina, A., & Giuliano, P. (2015). [Culture and institutions (Persian)]. *Journal of Economic Literature*, 53(4), 898-944. [\[DOI:10.1257/jel.53.4.898\]](https://doi.org/10.1257/jel.53.4.898)
- Amable, B. (2003). [The diversity of modern capitalism (Persian)]. Oxford: Oxford University Press. [\[DOI:10.1093/019926113X.001.0001\]](https://doi.org/10.1093/019926113X.001.0001)
- Aoki, M. (2001). *Toward a comparative institutional analysis*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Boyd, R., & Richerson, P. J. (1982). Cultural transmission and the evolution of cooperative behavior. *Human Ecology*, 10(3), 325-51. [\[DOI:10.1007/BF01531189\]](https://doi.org/10.1007/BF01531189)
- Cieslewicz, J. K. (2014). Relationships between national economic culture, institutions, and accounting: Implications for IFRS. *Critical Perspectives on Accounting*, 25(6), 511-28. [\[DOI:10.1016/j.cpa.2013.03.006\]](https://doi.org/10.1016/j.cpa.2013.03.006)
- Daniel, S. J., Cieslewicz, J. K., & Pourjalali, H. (2012). The impact of national economic culture and country-level institutional environment on corporate governance practices. *Management International Review*, 52(3), 365-94. [\[DOI:10.1007/s11575-011-0108-x\]](https://doi.org/10.1007/s11575-011-0108-x)
- Davidson, R., & MacKinnon, J. G. (2004). *Econometric theory and methods*. New York: Oxford University Press.
- Durbin, J., & Watson, G. S. (1971). Testing for serial correlation in least squares regression. III. *Biometrika*, 58(1), 1-19. [\[DOI:10.1093/biomet/58.1.1\]](https://doi.org/10.1093/biomet/58.1.1)
- Gorodnichenko, Y., & Roland, G. (2015). *Culture, institutions and democratization*. Cambridge: National Bureau of Economic Research. [\[DOI:10.3386/w21117\]](https://doi.org/10.3386/w21117)
- Gorodnichenko, Y., & Roland, G. (2017). Culture, institutions, and the wealth of nations. *Review of Economics and Statistics*, 99(3), 402-416. [\[DOI:10.1162/REST_a_00599\]](https://doi.org/10.1162/REST_a_00599)
- Gray, S. J. (1988). Towards a theory of cultural influence on the development of accounting systems internationally. *Abacus*, 24(1), 1-15. [\[DOI:10.1111/j.1467-6281.1988.tb00200.x\]](https://doi.org/10.1111/j.1467-6281.1988.tb00200.x)
- Greif, A. (1994). Cultural beliefs and the organization of society: A historical and theoretical reflection on collectivist and individualist societies. *Journal of political economy*, 102(5), 912-50. [\[DOI:10.1086/261959\]](https://doi.org/10.1086/261959)
- Guillén, M. F. (2001). *The limits of convergence: Globalization and organizational change in Argentina, South Korea, and Spain*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Hafeznia, M. R. (2008). [An introduction to the research method in humanities (Persian)]. Tehran: SAMT.
- Heine, S. J. (2008). *Cultural psychology*. New York: W. W. Norton and Company.
- Hofstede, G., Hofstede, G. J., & Minkov M. (2010). *Cultures and organizations: Software of the mind: Intercultural cooperation and its importance for survival*. New York: McGraw Hill.
- Hofstede, G. (1983). National cultures in four dimensions: A research-based theory of cultural differences among nations. *International Studies of Management & Organization*, 13(1-2), 46-74. [\[DOI:10.1080/00208825.1983.11656358\]](https://doi.org/10.1080/00208825.1983.11656358)
- Hofstede, G. (1984). *Culture's consequences: International differences in work-related values*. Thousand Oaks, California: Sage.

- Hofstede, G. (2003). *Culture's consequences: Comparing values, behaviors, institutions and organizations across nations*. Thousand Oaks, California: Sage.
- Hofstede, G. (2011). Dimensionalizing cultures: The Hofstede model in context. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1), 8-21. [DOI:[10.9707/2307-0919.1014](https://doi.org/10.9707/2307-0919.1014)]
- Hofstede, G., & Bond, M. H. (1988). The Confucius connection: From cultural roots to economic growth. *Organizational Dynamics*, 16(4), 5-21. [DOI:[10.1016/0090-2616\(88\)90009-5](https://doi.org/10.1016/0090-2616(88)90009-5)]
- House, R. J., Hanges, P. J., Javidan, M., Dorfman, P. W., & Gupta, V. (2004). *Culture, leadership, and organizations: The GLOBE study of 62 societies*. Thousand Oaks, California: Sage.
- Jarque, C. M., & Bera, A. K. (1980). Efficient tests for normality, homoscedasticity and serial independence of regression residuals. *Economics letters*, 6(3), 255-9. [DOI:[10.1016/0165-1765\(80\)90024-5](https://doi.org/10.1016/0165-1765(80)90024-5)]
- Kaufmann, D. (2007). *Governance matters VI: Aggregate and individual governance indicators, 1996-2006*. Washington: World Bank.
- Kaufmann, D. K., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The worldwide governance indicators: A summary of methodology, data and analytical issues*. Washington: World Bank.
- Licht, A. N., Goldschmidt, C., & Schwartz, S. H. (2007). Culture rules: The foundations of the rule of law and other norms of governance. *Journal of Comparative Economics*, 35(4), 659-88. [DOI:[10.1016/j.jce.2007.09.001](https://doi.org/10.1016/j.jce.2007.09.001)]
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Review*, 98(2), 224-53. [DOI:[10.1037/0033-295X.98.2.224](https://doi.org/10.1037/0033-295X.98.2.224)]
- Maurice, M., & Sorge, A. (2000). *Embedding Organizations: Societal analysis of actors, organizations and socio-economic context*. Amsterdam: John Benjamins Publishing. [DOI:[10.1075/aios.4](https://doi.org/10.1075/aios.4)]
- Nisbett, R. (2004). *The geography of thought: How Asians and Westerners think... differently and why*. New York: Detroit Free Press.
- North, D. (1990). *Institutions, institutional changes and economic performance*. Cambridge: Cambridge University Press. [DOI:[10.1017/CBO9780511808678](https://doi.org/10.1017/CBO9780511808678)]
- North, D. C. (1991). *Institutions*. *Journal of economic perspectives*, 5(1), 97-112. [DOI:[10.1257/jep.5.1.97](https://doi.org/10.1257/jep.5.1.97)]
- Perera, H., Cummings, L., & Chua, F. (2012). Cultural relativity of accounting professionalism: Evidence from New Zealand and Samoa. *Advances in Accounting*, 28(1), 138-146. [DOI:[10.1016/j.adiac.2012.03.006](https://doi.org/10.1016/j.adiac.2012.03.006)]
- Peterson, M. F., & Wood, R. E. (2008). Cognitive structures and processes in cross-cultural management. In D. C. Thomas & M. F. Peterson (Eds.), *Handbook of Cross-Cultural Management Research* (pp. 15-33). Thousand Oaks, California: Sage. [DOI:[10.4135/9781412982764.n2](https://doi.org/10.4135/9781412982764.n2)]
- Pifeh, A., Zarei H., Jaafari Jam, H. (2017). [Do Hofstede's national culture impact on public sector budgeting practices? (Persian)]. *Journal Mnagement System*, 3(1):21-36.
- Schmitt, D. P., Allik, J., McCrae, R. R., & Benet Martínez, V. (2007). The geographic distribution of big Five personality traits: Patterns and profiles of human self-description across 56 nations. *Journal of Cross-Cultural psychology*, 38(2), 173-212. [DOI:[10.1177/0022022106297299](https://doi.org/10.1177/0022022106297299)]
- Stulz, R. M., & Williamson, R. (2003). Culture, openness, and finance. *Journal of Financial Economics*, 70(3), 313-49. [DOI:[10.1016/S0304-405X\(03\)00173-9](https://doi.org/10.1016/S0304-405X(03)00173-9)]

- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics*. London: Pearson Education. [PMCID]
- Tabellini, G. (2010). Culture and institutions: Economic development in the regions of Europe. *Journal of the European Economic Association*, 8(4), 677-716. [DOI:10.1111/j.1542-4774.2010.tb00537.x]
- Tubadji, A. (2013). Culture-based development-culture and institutions: Economic development in the regions of Europe. *International Journal of Society Systems Science*, 5(4), 355-91. [DOI:10.1504/IJSSS.2013.058466]
- Whitley, R. (1992). *European business systems: Firms and markets in their national contexts*. Thousand Oaks, California: Sage. [PMCID]
- Williamson, O. E. (1993). Calculativeness, trust, and economic organization. *The Journal of Law and Economics*, 36(1), 453-86. [DOI:10.1086/467284]